



## "هیچ حرفی با شما نداریم الا یک کلمه: نه"

## انتقامجویی از تشکل‌های مستقل و فعالان جنبش اعتراضی فرهنگیان



ارتجاع‌ها را اسلامی با فروکش نسبی اعتراضات و خیزش‌های خیابانی به سرکوب حداکثری روی آورده است. جمهوری اسلامی از ترس خیابانی که فعلاً آرام گرفته و از تبوتاب افتاده است، فرصت را غنیمت شمرده و سعی می‌کند با تشدید و گسترش بازداشت‌ها، برپائی دادگاه و محاکمات و حبس‌های طولانی و توسل به کشتار و اعدام، راه خیابان را مسدود کند. اینکه باید به هر قیمت جلو امواج جدید و توفنده مبارزهای را گرفت که در راه است و قرار است ارتجاع اسلامی را برای همیشه به گور بسپارد، به مشغله اصلی حاکمیت تبدیل شده است. تمام سران و دستگاه‌های در صفحه ۳

در این روزها و هفته‌های پیش از فرا رسیدن تعطیلات تابستانی، جنبش دانشجویی به طور عام و دانشجویان دانشگاه هنر تهران به طور خاص، شرایط حساسی را می‌گذرانند. دانشگاه‌ها به دلیل نقش برجسته‌ای که در دوران اوج جنبش انقلابی "زن زندگی آزادی" داشته‌اند، اکنون با فروکش کردن نسبی مبارزات خیابانی به شدت مورد خشم و انتقام جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. جنبش پویای دانشجویی با حجم وسیعی از اعتراضات و اعتصابات سراسری که در همدلی و همراهی با مبارزات توده‌های مردم ایران داشت، این روزها به صورت سیستماتیک با آزار و اذیت و فشارهای امنیتی نیروهای رژیم مواجه است. گستردگی اعتصابات و اعتراضات دانشجویی در پاییز سال گذشته، که تکیه‌گاه موثری برای تداوم و اوج‌گیری مبارزات توده‌های مردم در کف خیابان‌ها بود، به همان اندازه که خشم رژیم را برانگیخته، در ذهنیت مردم مبارز ایران اما خطرناک‌تر ای ماندگار بر جای گذاشته است.

اگر در روزهای ۱۰ و ۱۱ مهرماه ۱۴۰۱، دانشگاه صنعتی شریف، به دلیل مقاومت دلیرانه اش در مقابل سرکوبگران جمهوری اسلامی نام و آوازه اش بر بلندای جنبش دانشجویی قرار گرفت، اکنون در تداوم آن روزهای بیادماندنی، در این روزهای یورش رژیم به دانشگاه‌ها، اینبار گلوآژه‌های مقاومت و دلیری و ایستادگی به نام دانشجویان هنر سکه خورده است. دانشگاه و دانشجویانی که طی روزها و هفته‌های اخیر برای مقابله با وحشیانه‌ترین حملات نیروهای سرکوبگر رژیم متحدانه در کنار هم ایستاده‌اند و با عزمی استوار اراده کرده‌اند به فرامین ارتجاعی و سرکوبگرانه حراست دانشگاه از جمله پوشش اجباری تن ندهند. دانشجویانی که مصمم‌اند به دوران پیش از قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی باز نگردند و بر این عزم خود آنچنان ایستاده‌اند که با شور و شوق انقلابی بر سر آدمکشان رژیم نهیب برکشیده‌اند: "میان ما و شما دریایی خون فاصله است". و ما ایستاده در میان یک چنین دریای خونی، "هیچ حرفی با شما در صفحه ۲

## هدف جمهوری اسلامی از تحرکات سیاسی اخیر در منطقه و چشم‌انداز آن

دوشنبه گذشته ۲۹ خرداد اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی گروه فلسطینی "حماس" در راس هیاتی به دعوت جمهوری اسلامی وارد تهران شد و در ابتدای ورود به دیدار علی‌اکبر احمدیان دبیر شورای عالی امنیت ملی رفت. وی و هیات همراه در ادامه با دیگر مقامات جمهوری اسلامی از جمله خامنه‌ای و ابراهیم رئیسی دیدار کردند.

پیش از او، زید نخاله دبیرکل گروه فلسطینی "جهاد اسلامی" به ایران سفر کرده بود و در همان روزی در صفحه ۵

## در جریان مبارزه است که توده‌ها می‌آموزند

در جریان مبارزه‌ای که در هر کشوری میان طبقات ستمگر و ستمدیده، انقلاب و ضدانقلاب در جریان است، هیچ چیز بهتر از خود مبارزه عملی توده‌های مردم آن‌ها را آموزش نمی‌دهد و چشم آن‌ها را بر واقعیت‌ها نمی‌گشاید. جنبش انقلابی نیمه دوم سال گذشته توده‌های مردم ایران علیه طبقه ستمگر حاکم، درس‌های آموزنده بسیاری برای کارگران و زحمتکشان، زنان به‌ویژه جوانانی داشت که فاقد تجربه در صفحه ۷

۶ **حمله به پایگاه مجاهدین در آلبانی راقویا محکوم می‌کنیم**

۹ **حمله به مقر مجاهدین در آلبانی را محکوم می‌کنیم!**

۹ **در دفاع از دانشجویان دانشگاه هنر و در ستایش همبستگی**

**پاسخ به سئوالات**

در صفحه ۱۰

## "هیچ حرفی با شما نداریم الا یک کلمه: نه"

نداریم، الا یک کلمه". و آن هم، یک "نه" بزرگ در مقابل شما دژخیمان و سرکوبگران مردم است.

ماجرای اعمال فشار بر دانشگاه هنر، از آنجا آغاز شد که آدمگشایان جمهوری اسلامی، بعد از فروکش کردن نسبی مبارزات خیابانی توده های مردم ایران، تصمیم گرفته اند، با تشدید شیوه های سرکوب و اختناق، کل جامعه را مرعوب و زهر انتقام خود از جنبش انقلابی توده های مردم ایران را بر پیکر و جسم و جان تمامی آحاد جامعه از جمله دانشگاه فرو ریزند. در این میان، دانشگاه هنر و دانشجویان این دانشگاه که طی ماه های گذشته با ساختن ده ها ویدئو- کلیپ انقلابی در روحیه بخشیدن به مردم مبارز ایران نقش داشته اند، از جمله کسانی هستند که در این بازه زمانی بیش از دانشگاه های دیگر در تیررس انتقام رژیم قرار گرفته اند. دلیل آن هم روشن است.

از شروع موج جدید جنبش انقلابی تا به امروز، دانشجویان هنر در پاسداشت مبارزات مردم و همچنین در پادمان جانفشاندگان جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی"، ده ها ترانه - سرود ماندگار ساختند و اجرا کرده اند. در این مدت، دانشجویان این دانشگاه همانند دیگر دانشجویان انقلابی به دفاع از مبارزات دلیرانه زنان در نفی حجاب اجباری برخاستند و خود نیز با انتخاب پوشش اختیاری در صف مقدم مبارزه با حجاب اجباری قرار گرفتند. با زبان شعر و ترانه و موسیقی، از دلآوری های زنان سخن گفتند، با خانواده های جانفشاندگان به همدلی نشستند، مبارزات سلحشورانه مردم را ستودند و در وصف دلآوری های زنان و مردان ایران ترانه ها سرودند و خواندند.

روشن است که این حجم از تلاش و مبارزه و همدلی دانشجویان هنر با مبارزات مردم ایران امر ساده ای نبود که از چشم انتقام جوی نیروهای فاشیست جمهوری اسلامی دور بماند. از این رو، در شرایط کنونی که هیئت حاکمه با توسل به کشتار و بگیر و ببند و سرکوب و زندان به طور نسبی توانسته است خیزش و قیام و نبردهای خیابانی توده های مردم ایران را موقتا به عقب بکشاند، شمشیر انتقام از رو بسته و با تهدید و انتقام، به سر وقت فعالان سیاسی و عموم جنبش های اجتماعی از جمله دانشجویان هنر دانشگاه تهران رفته است.

اعمال فشار و سرکوب بر دانشجویان هنر، در آغاز با ارسال یک پیامک کوتاه شروع شد. پیامکی که دانشجویان را به الزام رعایت قوانین ارتجاعی حراست تهدید می کرد. پیامکی که در آن تاکید شده بود از ورود دانشجویان دختر به دانشگاه بدون پوشش "مقتعه" جلوگیری خواهد شد. پس از ارسال این پیامک تهدید آمیز بود که نیروهای امنیتی حراست با توسل به "قانون" حجاب اجباری، از ورود حدود ۴۰ دانشجو به دانشگاه جلوگیری و به سرعت حکم اخراجشان نیز صادر شد. موضوعی که به اعتراض دانشجویان و تحصن ۵۰ دانشجو در صحن دانشگاه انجامید. اگرچه تحصن دانشجویان به

درگیری و ضرب و شتم با حراست و دستگیری تعدادی از آنان منجر شد، اما با ادامه اعتراضات و حمایت دیگر دانشگاه ها، حکم اخراج دانشجویان به "تعلیق مشروط" تبدیل شد. بدین معنا که اگر دانشجویان فوق بار دیگر "اصول انضباطی" دانشگاه را نقض کرده و بدون "مقتعه" وارد دانشگاه شوند، به صورت قطعی اخراج خواهند شد.

با ادامه اعتراضات و تحصن، ضرب و شتم و اعمال فشار بر دانشجویان متحصن نیز شدت گرفت. طبق گزارش کانال شوراهای صنفی دانشجویان کشور، دانشجویان این دانشگاه از نیمه های شب پنجشنبه ۲۵ خرداد، با یورش رئیس حراست و ایادی او در پردیس باغ ملی مواجه شده و مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفتند. طبق گزارش فوق، از این تاریخ از خروج دانشجویان دختر بدون پوشش مقتعه ممانعت به عمل آوردند و حتا از رسیدن آب و غذا به دانشجویان متحصن و استفاده آنان از سرویس های بهداشتی نیز جلوگیری کردند. علاوه بر تضيیقات فوق، نیروهای حراست تهدید کردند که در صورت ادامه تحصن، برای سرکوب دانشجویان مزدوران لباس شخصی را وارد دانشگاه خواهند کرد.

ادامه اعتراضات دانشجویان هنر نسبت به اجباری شدن پوشش "مقتعه"، از عصر روز چهارشنبه ۲۴ خرداد وارد مرحله جدیدی شد و اعتراضات آنان با ادامه تحصن در پردیس باغ ملی ابعاد جدی تری به خود گرفت. هم زمان با ادامه تحصن، تهدید دانشجویان متحصن به بازداشت و اخراج و تعلیق هم افزایش یافت. تا جاییکه طی شب های گذشته، موارد متعددی از حضور و تردد بالای مزدوران لباس شخصی با ماسک و دوربین های جیبی در خیابان های اطراف دانشگاه - محل واقع شدن اکثر خوابگاه های دخترانه- گزارش شده است. تردد مزدورانی که با حمله به مردم، ترس و ناامنی را در اطراف دانشگاه ایجاد کرده اند.

با تشدید سرکوب و گسترش شیوه های ارباب علیه دانشجویان متحصن، اخبار مقاومت دانشجویان دانشگاه هنر در صدر اخبار جنبش دانشجویی قرار گرفت. ابتدا، آن بخش از دانشجویان دانشگاه هنر که در تحصن شرکت نداشتند، با صدور بیانیه ای حمایت و همبستگی خود را با دانشجویان متحصن اعلام کردند. پس از آن، دیگر دانشگاه های کشور یکی پس از دیگری در حرکتی هماهنگ، با صدور بیانیه های حمایتی به دفاع و اعلام همبستگی با دانشجویان هنر برخاستند. تعداد دانشگاه هایی که از مقاومت و ایستادگی دانشجویان دانشگاه هنر حمایت و همبستگی خود را با آنان اعلام کرده اند، تا روز ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ دست کم به ۳۷ دانشگاه رسیده است. از دانشگاه تهران گرفته تا فردوسی مشهد، از علم و صنعت تا زنجان و اصفهان و تبریز، از سهند تا شیراز و نوشیروانی بابل و جندی شاپور اهواز، و ده ها دانشگاه دیگر که مقاومت و پایداری دانشجویان هنر را ستوده اند و پایداری آنان را بخشی از

مقاومت و ماندگاری جنبش انقلابی توده های مردم ایران خوانده اند.

از جمله، دانشجویان دانشگاه تهران، با صدور بیانیه ای ضمن حمایت از دانشجویان هنر و اعلام همبستگی با آنان نوشته اند: "مقاومت ما زنده است و زنده خواهد ماند. هرکجا قدرت هست، مقاومت هم هست". دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، در همبستگی با دانشگاه هنر، اعلام کرده اند: "در حکومت جمهوری اسلامی که همواره هنر را خوار داشته و جادویی را ارجمند، دانشجویان هنر، این تن های آزاد، همواره رخت سرکوب را دریده اند و با زیستی آزادانه تجسم "زن، زندگی، آزادی" بوده اند و با زندگی هنری خود چون ستاره ای در شب استبداد درخشیده اند. در گرمای خیزش مهسا، دلیرانه در مسیر آزادی گام برداشتند و از مبارزه و مقاومت حماسه آفریدند و هنری برتر از گوهر نشانمان دادند". جمعی از دانشجویان بجنورد نیز در قردانی از مقاومت دانشجویان هنر اعلام کرده اند: "آنچه در دانشگاه هنر اتفاق افتاد، تکرار سرکوب این چند ماه و چند سال، و نیز تکرار مقاومت ما در برابر این سرکوب است... در کنار شما دانشجویان هنر می ایستیم و می گوئیم: می دانیم طعم تلخ سرکوب را و نیز می دانیم طعم شیرین در کنار هم بودن و پا پس نکشیدن را؛ به شما افتخار می کنیم و با جان های فرسوده مان می کوشیم دانشگاه را زنده نگاه داریم".

حمایت و همبستگی با دانشجویان هنر فقط در محدوده دانشگاه ها باقی نماند. گروه های دیگری نیز به دفاع و ستایش از مقاومت آنان برخاستند. شبکه های اجتماعی در گستره ای وسیع با باز نشر و تکثیر جمله "هیچ حرفی با شما نداریم الا یک کلمه: نه"، عملا در کنار دانشجویان هنر قرار گرفتند و این امر نشان داد که مقاومت دانشجویان دانشگاه هنر تا چه اندازه در درون جامعه تأثیرات مثبت اجتماعی داشته است.

آنچه اکنون در جامعه جاری است، نه خاموشی و سکون، که همانا اعتراض و ایستادگی جامعه به اشکال گوناگون در مقابل رژیم است. جامعه ای که به تاسی از شرایط انقلابی موجود، سرکوب را به هیچ گرفته و با صدایی رسا بانگ بر کشیده که دیگر به عقب باز نخواهد گشت. با این همه و به رغم اینکه سیاست جمهوری اسلامی در خاموش کردن صدای مقاومت و پایداری دانشگاه هنر با شکست مواجه شده است، اما هیئت حاکمه همچنان بر این تصور است که با توسل به سرکوب و اخراج و بگیر و ببند خواهد توانست اوضاع کشور را به شرایط پیش از شهریور ۱۴۰۱ بازگرداند.

با یک چنین تصور باطلی است که طی چند ماه گذشته فشار بر زنان افزایش یافته است، کارگران با سرکوب بیشتری مواجه اند، معلمان بیشتری بازداشت شده اند، محاکمات فرمایشی بازداشت شدگان شتاب گرفته است، فعالان شبکه های اجتماعی به دستگیری و زندان تهدید شده اند. تهاجم به دانشگاه ها افزایش یافته و شمشیر بازداشت و تعلیق و اخراج بر سر دانشجویان به جولان درآمده است. حال در چنین وضعیتی که طبقه حاکم در کشاکشی نابرابر به روی آحاد مختلف جامعه شمشیر کشیده است، جامعه و توده

## انتقامجویی از تشکلهای مستقل و فعالان جنبش اعتراضی فرهنگیان



از ۵ سال، آبان سال گذشته آزاد می‌شد همچنان در زندان است و دوباره حکم ۱۰ سال حبس گرفته است. تعداد دیگری از معلمان مبارز و فعالان تشکلهای مستقل معلمان از جمله؛ جعفر ابراهیمی، رسول بدافی، مهدی فتحی، هاشم خواستار، حسین رضائی پور، امید شاهمحمدی، انوش عادل، محمود صدیقی پور، عزیز قاسمزاده، فرزانه ناظران پور، جواد لعل محمدی، مریم جلال حسینی، ناهید شیر بیشه و ... همچنان اسیر و دربندند.

احضار و بازداشت و حبس فرهنگیان به موارد فوق خلاصه نمی‌شود. ابعاد پرونده‌سازی‌ها و پیگردهای امنیتی و قضایی بسیار فراتر از این است. تنها در کردستان در ظرف کمتر از یک سال ۴۰ نفر از بهترین معلمان این استان بازداشت و روانه زندان شده‌اند و ده‌ها تن دیگر در انتظار رأی دادگاه‌ها هستند. بیش از ۳۵۰ معلم صرفاً به خاطر تجمع و تحصن و حمایت از دانش آموزان با کسر حقوق و درج غیبت در پرونده مواجه شده‌اند. ده‌ها مدیر و معاون در مدارس از پست‌های خود برکنار شده و صدها معلم از انتصاب به مدیریت و معاونت مدارس محروم شده‌اند. ۲ معلم تبعید و ۴۸ تن از مزایای رتبه‌بندی محروم شده‌اند. سایر استان‌ها نیز تقریباً وضعیت مشابهی دارند.

دولت ارتجاعی حاکم و وزارت آموزش و پرورش آن، که زیر فشار مبارزات پیگیرانه معلمان، طرح رتبه‌بندی را ولو به‌طور ناقص و سر و دم‌بریده اجرایی و به قول معلمان سرهم‌بندی کرد، در همان حال صدها تن از فرهنگیان و در درجه اول اعضا و فعالان تشکلهای مستقل معلمان را از لیست رتبه‌بندی حذف نموده است. دست‌کم ۲۵۰ معلم از شمول رتبه‌بندی خارج شده‌اند. آمار واقعی از این بیشتر است. برای نمونه در استان تهران ۸۰ نفر، کردستان ۴۸ نفر و در کرمانشاه ۲۰ نفر از لیست رتبه‌بندی و مزایای آن حذف شده‌اند.

افزون بر حذف شمار زیادی از اعضا و فعالان تشکلهای مستقل معلمان از لیست رتبه‌بندی که در واقع نوعی انتقامجویی و اعمال فشار اقتصادی و مجازات علیه این گروه از معلمان است، شمار زیادی از معلمان مشمول تبعید، اخراج، کسر رتبه، کسر حقوق، بازنشستگی پیش از موعد شده‌اند. طرح رتبه‌بندی که قرار بود یک ابزار تشویقی باشد به قول یکی از معلمانی که با ۲۷ سال سابقه کار از لیست رتبه‌بندی حذف شده، به ابزاری برای "گوشمالی و تنبیه" معلمان تبدیل شده است. حتی به برخی از معلمان مستقیم یا غیرمستقیم اعلام شده به دلیل عضویت در تشکلهای و فعالیت‌های صنفی، از لیست رتبه‌بندی حذف شده‌اند و اگر از این فعالیت‌ها ابراز پشتیبانی کنند و آن را کنار بگذارند، مشمول رتبه‌بندی خواهند شد. لازم به یادآوری در صفحه ۴

هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در مورد رأی بدوی پرونده‌ی سوم غلامرضا غلامی در شعبه یک دادگاه انقلاب شیراز به ریاست محمود ساداتی که در تاریخ ۲۸ خردادماه ۱۴۰۲ برگزار شده بود نوشت: ۵ سال زندان به جرم عضویت در گروه‌های مجازی معاند نظام، یک سال زندان به جرم تبلیغ علیه نظام ۲ سال تبعید به بیرجند، ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور با ابطال گذرنامه و ۲ سال ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی.

البته شمار دیگری از معلمان شیراز نیز تحت پیگرد قضایی هستند ولی هنوز به مرحله صدور حکم نرسیده‌اند. در "دادگاه انقلاب اهواز" نیز که روز ۲۷ خرداد برگزار شد، ۱۱ معلم به محاکمه کتبی شدند که سرانجام برای "پیروز نامی" دبیر کل کانون صنفی معلمان خوزستان و "اقبال تامرادی" عضو کانون حکم پرداخت جزای نقدی هر کدام دو و نیم میلیون تومان و برای بقیه حکم برائت صادر شد. باز در همین روز ۵ تن از معلمان و فعالان صنفی یزد حمید زارع چشمه، احمد چنگیزی، منصور میرزایی، سید محمد فخر الحسینی و مهدی کلانتری به دادگاه یزد احضار شدند.

علاوه بر احضارها و محاکمات گروهی، احضارهای فردی نیز رو به افزایش است. روزی نیست که خبری در مورد احضار و بازداشت و محاکمه و زندان شنیده نشود. دستگاه امنیتی رژیم پی‌درپی و بدون وقفه سرگرم پرونده‌سازی است و دستگاه قضایی نیز زنجیروار حکم اعدام و حبس و زندان و تبعید صادر می‌کند.

زهره عوض زاده مقدم از فعالان صنفی و عضو هیئت مؤسس انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی برای سومین بار به دادگاه احضار شد. فاطمه تدریسی که به خاطر حضور در تجمع مسالمت‌آمیز معلمان روز ۱۹ اردیبهشت در بهارستان دستگیر شده بود به زندان قرچک منتقل شد. بیست‌ویک خرداد دادگاه "طاهره نقی‌ئی" دبیر کل سازمان معلمان ایران در شعبه ۲۶



دادگاه انقلاب تهران برگزار شد. اسماعیل خدا یاری معلم ساکن خرم دشت استان قزوین برای چندمین بار به دادرسی قزوین احضار شد. محمد سعیدی ابوساحقی از کار برکنار و به دادگاه احضار شد. عاتکه رجبی با اعلام حمایت از "جنبش زن، زندگی، آزادی" از کار اخراج شد. زینب هم‌رنگ معلم بازنشسته به ۵ سال زندان محکوم شد. این در حالی است که چندین معلم مبارز دیگر نیز مدت‌هاست در بازداشت و زندان به سر می‌برند و به حبس‌های طولانی‌مدت محکوم شده‌اند. اسماعیل عبدی که می‌بایستی بعد

حکومتی به‌خوبی به این موضوع پی برده‌اند که نه‌فقط هیچ بخشی از توده‌های مردم جانب‌دارشان نیست بلکه آماده‌اند تا انزجار و نفرتشان را در عمل و در اشکال مختلف نشان دهند، چنانکه پیش‌از این نیز نشان داده‌اند. مرتجعین حاکم نیک می‌دانند توده‌های مردم اگر این بار برخیزند، تکلیف تمام نظم حاکم را یکسره خواهند کرد و انتقام بیش از ۴ دهه ستم و سرکوب و کشتار را خواهند گرفت. رژیم ستمگر و استبدادی حاکم بر این گمان است که با تکیه بر سرنیزه می‌تواند خود را از این سرنوشت محتوم نجات دهد. از همین روست که با بحریمی و خشونت تمام، ضمن انتقام‌گیری از همه معترضان خیابانی و غیر خیابانی، به سرکوب حداکثری متوسل شده ست. ابعاد و دامنه سرکوب‌ها فراتر از آن است



که صرفاً بگوییم شمشیر از رو بسته است، که شمشیرها و سرنیزه‌ها و توپ و تفنگ‌ها از رو بسته است.

تمام اقتدار مبارز و انقلابی و تمام معترضان به وضع موجود، مشمول این سرکوب گسترده شده‌اند. کارگران، بازنشستگان، دانشجویان، دانش آموزان، زنان و همچنین معلمان مبارز و زحمتکش کشور که این روزها پی‌درپی بازداشت و زندانی و در بیداد گاه‌های اسلامی محاکمه و به مجازات‌های سنگین و حبس‌های طولانی‌مدت محکوم می‌شوند.

شواهد موجود نشان می‌دهد که نوک اصلی حمله دستگاه امنیتی و قضایی رژیم، متوجه تشکلهای صنفی و مستقل معلمان و اعضا و فعالان این تشکل‌هاست که توانسته‌اند نقش نسبتاً خوبی در سازمان‌دهی تجمعات اعتراضی و اعتصابات سراسری معلمان و بخشاً همراهی با اعتراضات دانش آموزان و خانواده‌ها ایفا کنند. در همین رابطه "دادگاه انقلاب" شیراز در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۴۰۲ رأی محکومیت ۸ تن از معلمان را صادر نمود و احکام صادره به این معلمان ابلاغ شد. بر اساس رأی این "دادگاه" ایرج رهنما، افشین رزمجویی، مژگان باقری، غلامرضا غلامی، محمدعلی زحمتکش و اصغر امیرزادگان هر کدام به پنج سال حکم تعزیری، عبدالرزاق امیری و زهره اسفندیاری نیز هر کدام به دو سال زندان و مجموعاً ۳۴ زندان محکوم شده‌اند. نکته قابل‌توجه اینکه دو نفر آخر هر کدام به دو سال حبس "با پابند" محکوم شده‌اند و نکته بعد اینکه هر ۸ نفر از اعضا و فعالان انجمن صنفی فرهنگیان شیراز هستند و نکته آخر اینکه برای برخی از معلمان از جمله غلامرضا غلامی چندین پرونده تشکیل شده است. شورای

## "هیچ حرفی با شما نداریم الا یک کلمه: نه"

های مردم ایران نیز با زبان "نه" در مقابل رژیم ایستاده اند و یک صدا فریاد می زنند؛ ما هرگز به گذشته باز نمی گردیم. چرا که این بار توده های مردم ایران با عزمی استوار اراده کرده اند جمهوری اسلامی را سرنگون و به زیاله دانی تاریخ بسپارند. این اراده اکنون به رغم افت نسبی مبارزات خیابانی، در جای جای جامعه تبلوری آشکار دارد.

آنچه را که اکنون آحاد مختلف جامعه، جملگی همصدا با هم بانگ بر می کشند که دیگر به گذشته باز نمی گردیم، به صورتی روشنتر در بیانیه دوم دانشجویان هنر انعکاس یافته است. آنان در بیانیه دوم خود که روز شنبه دوم تیر انتشار یافته است، با تاکید بر اینکه "نه اجبار، نه سرکوب و نه دوشکا دیگر خراشی بر پولاد اراده" آن ها نخواهد داشت، هم صدا با عموم توده های مردم ایران فریاد بر کشیده اند: "ما هرگز به گذشته باز نمی گردیم". چرا که "میان ما و شما دریایی خون فاصله است" و ما در این دریای شناور خون، "هیچ حرفی با شما نداریم، الا یک کلمه". و آن هم، یک "نه" بزرگ در مقابل شما مرتجعین و قاتلان مردم ایران است.

فشارها و محدودیت ها ایستاده اند و قرار نیست به تصمیمات و اقدامات مستبدین و مرتجعین حاکم تمکین کنند و نخواهند کرد.

بسیار مهم است که در اعتراضات و تجمعات و فعالیت های خود خواهان آزادی فوری معلمان زندانی و کل زندانیان سیاسی شویم. همچنین بسیار مهم است که در شرایط کنونی از فعالان صنفی و معلمانی که به زندان افتاده اند یا به طرق دیگر مورد انتقام جوئی دستگاه دولتی واقع شده اند، وسیعاً حمایت شود. به ویژه خانواده معلمان زندانی، اخراج شدگان و معلمانی که مشمول کسر حقوق شده اند را نباید تنها گذاشت. خوشبختانه شورای هماهنگی در این زمین کار بسیار بزرگی انجام داده و توانسته است کمک به این خانواده ها را سازمان دهدی کند. تعرض ارتجاع حاکم علیه تشکل های مستقل معلمان را باید خنثی کرد. حق ایجاد تشکل از حقوق اولیه معلمان و همه افسار جامعه است. خوشبختانه کم نیستند معلمان آگاه و مبارزی که در برابر این تعرض ایستاده اند و خواهند ایستاد.

آموزگاری که الف و بای آزادی و برابری را هم نوا با سایر معلمان و در جمع دانش آموزان و برای دانش آموزان می سراید، در برابر این تعرض می ایستد و از حق خود و دانش آموز دفاع می کند. کار زیادی از ارتجاع حاکم که به پایان خط نزدیک شده ساخته نیست. امواج جدیدی از اعتصابات و اعتراضات خیابانی در راه است. معلمی که بذر آگاهی و مقابله با ظلم و ستم و استثمار می یاشد، در این امواج، خصوصاً همراه شدن بدانش آموزان و خانواده ها، نقش مهم تری خواهد داشت و باید خود را برای نبردهای سخت و سرنوشت ساز آماده کند.

## انتقامجویی از تشکل های مستقل و فعالان جنبش اعتراضی فرهنگیان

هماهنگی و جنبش اعتراضی معلمان را تشکیل می دهد.

در پرتو همین شعارها و خواست ها و در سایه همین سیاست و رویکرد، شورای هماهنگی توانسته است پیوندهای قابل توجهی میان معلمان، معلمان و دانش آموزان، معلمان و خانواده ها ایجاد کند. جنبش اعتراضی معلمان طی دو سه سال اخیر نه فقط ده ها اعتصاب و تجمع سراسری را سازمان داد بلکه در جریان جنبش انقلابی اخیر نیز، همراه با خانواده ها و در دفاع از دانش آموزان گامی جلوتر گذاشت و توانست مقدمات پیوند میان معلمان و دانش آموزان و خانواده ها را فراهم سازد و حتی گام های عملی نیز در این زمینه برداشت.

اتحاد عمل یا تجمعات مشترک معلمان و دانش آموزان و خانواده ها و موضع گیری های مکرر در دفاع از حقوق دانش آموزان و در محکومیت سرکوب و کشتار و مسمومیت های زنجیره ای دختران دانش آموز، باز هم بر نقش و اعتبار شورای هماهنگی افزود. ارتجاع حاکم نمی توانست در برابر این رویدادها و در برابر این روند بی تفاوت باشد و نبود. فعالیت ها و تحركات شورای هماهنگی و کل جنبش اعتراضی معلمان، خشم و کینه ارتجاع حاکم را دوچندان کرد. شمشیرها را از رو بست. احضارها و بازداشت ها تشدید شد. سناریوسازی و شکنجه برای اعتراف گیری اجباری و پرونده سازی در مقیاس سراسری ادامه یافت. ارتجاع حاکم بدون شک به اعمال فشار در حد کنونی اکتفا نخواهد کرد. نگاه امنیتی به هرگونه فعالیت متشکل حتی صنفی ترین فعالیت ها تشدید شده و ظرفیت تحمل نداشته ای ارتجاع باز هم کمتر شده است. دستگاه امنیتی رژیم بر این تلاش است که تشکل های مستقل معلمان و قبل از همه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان را برچیند.

وزارت کشور هماهنگ و همراه با دستگاه امنیتی و اطلاعاتی رژیم مستقیم یا غیرمستقیم از واژه "ضد انقلاب" برای این تشکل ها و فعالان آن استفاده می کنند. همین سیاست در رابطه با معلمان بازداشتی و زندانی نیز دنبال می شود. تشکل های صنفی معلمان از نظر وزارت کشور و دستگاه اطلاعاتی و امنیتی رژیم غیرقانونی هستند. این موضوع به برخی از این تشکل ها مانند انجمن صنفی معلمان کردستان نیز اعلام شده است. اعضای این تشکل ها به اتهام عضویت در تشکل های غیرقانونی به حبس محکوم می شوند. پرونده سازی های گسترده و نقشه های شوم وزارت اطلاعات و وزارت کشور علیه تشکل های مستقل معلمان و فعالان این تشکل ها با جدیت ادامه دارد. هدف برچین تشکل های صنفی در شهرها و استان ها و انحلال شورای هماهنگی است. اگر بتوانند سعی می کنند در رهبری این تشکل ها نفوذ کنند و اگر نتوانند از طریق احضار و بازداشت و سرکوب و زندان، موجب تضعیف، بی عملی و در نهایت انحلال آن می شوند.

اما معلمان زحمتکش و آگاه در برابر تمام این

است اکثر معلمانی که از رتبه بندی حذف شده اند از معلمان خوب و با سابقه اند. حتی معلمانی هستند که ۳۰ سال سابقه کار دارند اما رتبه بندی شامل حال آن ها نشده است.

پوشیده نیست که رژیم جمهوری اسلامی به ویژه در شرایطی که جامعه در تبوتاب تحولات انقلابی می سوزد، از جانب هرگونه فعالیت متشکل و مستقل احساس خطر می کند. جنبش معلمان و فعالیت های مستقل تشکل های معلمان



طی دو دهه اخیر پیشرفت های شایان توجهی داشته است. این جنبش در پرتو فعالیت عناصر آگاه و تشکل های مستقل شهرها و استان ها به ویژه تشکل سراسری معلمان، آرام آرام توانست خود را از زیر نفوذ گرایش اصلاح طلبی خارج کند و به یک جنبش مستقل و نوپا بدل شود. با پررنگتر شدن حضور و فعالیت نیروهای جوان در ترکیب این تشکل ها به ویژه شورای هماهنگی و حضور معلمان آگاه و جوان حامل دیدگاه های رادیکال در رأس تشکل سراسری معلمان، هرگونه دعوت و اندیشه ای برای بازی در بساط جناح های حکومتی مردود شمرده شد. اگرچه نمی توان انکار کرد که هنوز گرایش بسیار ضعیفی در این تشکل هست که به فرض اقدامات رژیم و دستگاه قضایی علیه معلمان را نه ناشی از موقعیت طبقاتی و ماهیت حاکمیت ارتجاعی بلکه ناشی از "ذهن های منجمد" می داند که درک درستی از مسائل جامعه ندارند و منتظر است قضات مستقلی وارد میدان شوند و حکم برائت معلمان را صادر کنند، اما شورای هماهنگی هم در مواضع و هم در شعارها و خواست ها در مجموع یک مسیر تکاملی را طی کرده و از داستان "مطالبه گری" که صرفاً به شرایط معیشتی و خواست های صنفی محدود و خلاصه می شد به سمت مطالبات سیاسی و فراگیر اجتماعی حرکت نموده و امروز واژه هایی مانند "عدالت اجتماعی" و "عدالت آموزشی" در ادبیات این جریان به وفور دیده می شود. مخالفت شدید و پیگیر با خصوصی سازی مدارس و آموزش و پرورش، دفاع از آموزش رایگان و باکیفیت و مستقل از دستگاه روحانیت و نهادهای مذهبی برای همه، اجزایی از هویت شورای

## هدف جمهوری اسلامی از تحرکات سیاسی اخیر در منطقه و چشم‌انداز آن

که اسماعیل هنیه وارد تهران شد با ابراهیم رئیسی دیدار داشت. زیاد نخاله روز چهارشنبه ۲۴ خرداد به دیدار خامنه‌ای رفت و اسماعیل هنیه نیز درست یک هفته بعد یعنی چهارشنبه ۳۱ خرداد با خامنه‌ای دیدار کرد.

دیدار اسماعیل هنیه و زیاد نخاله با بالاترین مقامات جمهوری اسلامی همچون خامنه‌ای و ابراهیم رئیسی، بویژه در شرایط مشخص کنونی، بیانگر اهمیت و جایگاه این دو گروه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. اگرچه گروه کوچک اما مسلح "جهاد اسلامی" کاملاً گوش به فرمان جمهوری اسلامی است، اما گروه "حماس" سیاست‌های خاص خود را دنبال می‌کند و از هم‌پنرو روابط خوب (و نسبتاً خوبی) نیز با دولت‌هایی همچون قطر و ترکیه دارد و حتا از کمک‌های مالی قطر برای رفع نیازهای مالی دولت حماس در غزه برخوردار است.

اما چه اتفاقی افتاده است که رهبران این دو گروه تقریباً هم‌زمان به ایران سفر کردند؟

در سال‌های گذشته رهبران این دو گروه به مناسبت‌های مختلف بارها به ایران سفر کرده بودند. اما اتفاقاتی که از شهریور سال گذشته فضای سیاسی ایران را تغییر داد و در منطقه و جهان نیز تأثیرات خاص خودش را بدنبال داشت، موقعیت جمهوری اسلامی را حتا در میان گروه‌های سیاسی و نظامی همپیمان آن تضعیف کرد. این تضعیف موقعیت سیاسی جمهوری اسلامی از این واقعیت نشأت گرفت که بقای جمهوری اسلامی در پی موج بزرگ جنبش انقلابی که ماه‌ها به‌طول انجامید، در عرصه‌ی وسیعی مورد تردید قرار گرفت.

اکنون اما و به‌رغم آن‌که هر آن ممکن است موج جدیدی حتا سهم‌گین‌تر از موج گذشته به‌راه افتد، به این دلیل مشخص که فعلاً اعتراضات خیابانی افت کرده است، جمهوری اسلامی تلاش می‌کند تا ضرباتی را که از موج اخیر جنبش انقلابی در عرصه‌ی روابط بین‌الملل خورده است، ترمیم کند و بدون تردید یکی از آن موارد ترمیم روابط با گروه‌هاییست که جمهوری اسلامی در منازعه با دولت اسرائیل به آن‌ها امید زیادی بسته است.

به موازات تشدید جو امنیتی و سرکوب در جامعه، جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از زمان بدست آمده در پی کاهش اعتراضات، در عرصه سیاست خارجی فعالیت‌های گسترده‌ای را برای بهبود وضعیت خویش آغاز کرد از برقراری روابط با عربستان تا دعوت از رهبران "جهاد اسلامی" و "حماس" و بخشیدن پول‌های مردم ایران به آن‌ها. مردم ایران به‌خوبی سخنان محمود زهار از رهبران "حماس" را به یاد دارند. محمود زهار پس از مرگ قاسم سلیمانی به منظور تجلیل از وی گفته بود که در سال ۲۰۰۶ "حماس" با مشکلات مالی گسترده‌ای روبرو بود و وی در سفر به تهران خواستار کمک مالی جمهوری اسلامی شده بود. احمدی‌نژاد به‌عنوان رئیس جمهور وقت به او گفت که این موضوع را با قاسم سلیمانی مطرح

کند و قاسم سلیمانی ۲۲ میلیون دلار پول نقد به آن‌ها داد. به‌گفته‌ی وی قرار بود پول بیشتری به آن‌ها پرداخت شود اما چمدان‌های‌شان دیگر جا نداشتند. چمدان پول نقدی که حامد کرزای رئیس‌جمهور پیشین افغانستان از مقامات جمهوری اسلامی دریافت کرده بود، یک نمونه دیگر است.

اکنون نیز در پی معاملات پشت پرده جمهوری اسلامی با دولت‌های اروپایی و آمریکا، بخشی از اولین پول‌هایی که به دست جمهوری اسلامی رسید، نصیب "حماس" و "جهاد اسلامی" شد تا بدین‌ترتیب جمهوری اسلامی اعتبار خود نزد این دو جریان را از جیب توده‌های ستم‌دیده‌ی ایران بازسازی کند، مردم ستم‌دیده‌ای که امروز بخشی از آن‌ها حتا در تهیه نان به اندازه نیازشان درمانده‌اند.

تلاش برای بهبود روابط با کشورهای عربی منطقه یکی دیگر از سیاست‌های جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر است. اگر در روزگاری نه چندان دور به گفته‌ی ابراهیم رئیسی "دولت سعودی غده سرطانی" بود و خامنه‌ای پس از اعدام شیخ نمر وعده داده بود که "بدون تردید دست انتقام الهی گریبان سیاستمداران سعودی را خواهد گرفت"، یا روزنامه کیهان پس از قطع رابطه با دولت عربستان تیتیر زده بود: "تنگ رابطه با آل سعود از دامان ایران اسلامی پاک شد"، به یکباره همه‌ی آن نظرات و وعده‌ها به فراموشی سپرده شده و روزنامه کیهان نوشت: "توافق ایران و عربستان ضربه کاری به آمریکا و رژیم صهیونیستی". کار به جایی رسید که نشستن عبداللهیان در اتومبیل شخصی وزیر خارجه امارات، "افتخاری دیپلماتیک" برای جمهوری اسلامی و سوژه‌ی تبلیغی رسانه‌های آن شد.

بدون تردید برقراری رابطه دیپلماتیک با عربستان زمانی ممکن شد که جمهوری اسلامی تعهد کرد تا به تنش در منطقه خاتمه دهد، در امور داخلی دولت‌های عربی دخالت نکرده و امنیت و منافع اقتصادی آن‌ها را تهدید نکند. بدون دادن چنین امتیاز و تعهدی به دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس، هیچ گامی به جلو برای برقراری رابطه دیپلماتیک با عربستان ممکن نبود.

دیگر واقعیت مهم این است که دولت چین نیز با تنش در منطقه که جمهوری اسلامی نقش کلیدی در ایجاد آن دارد، شدیداً مخالف است، و تنش در منطقه برخلاف منافع این دولت امپریالیستی است که بیش از هر چیز بر گسترش روابط اقتصادی و سرمایه‌گذاری در منطقه تأکید دارد. جمهوری اسلامی نیز از آن‌جایی که شدیداً به دولت چین وابسته است، مجبور به تمکین در برابر خواست دولت چین است.

جمهوری اسلامی در تبلیغات خود اگرچه تلاش کرد تا سیاست‌های جدید منطقه‌ای خود را به نحوی توجیه کرده و آن را از موضع قدرت جلوه دهد، اما بر همگان آشکار است که جمهوری اسلامی در سایه‌ی شرایط کنونی مجبور به

عقب‌نشینی از مواضع گذشته خود شد و در واقع تا حدودی تسلیم خواست‌های عربستان و متحدان‌اش از جمله در رابطه با جنگ داخلی یمن شد.

نوشتیم "تا حدودی" به این علت که جمهوری اسلامی همچنان در لبنان و عراق به عنوان دو کشور عربی که اکثریت مسلمانان آن‌ها را "شیعیان" تشکیل می‌دهند، در رقابت با دولت عربستان، به دنبال پیشبرد سیاست‌های خود است، البته در هر دوی این کشورها برای پیشبرد سیاست‌های‌اش با مشکلات بزرگی روبروست. در سوریه نیز اگرچه جمهوری اسلامی همچنان به دنبال منافع خود است، اما با چرخش دولت سوریه و دولت‌های عربی منطقه به سمت یکدیگر، سوریه - حداقل فعلاً - از محلی برای منازعات جمهوری اسلامی با دولت عربستان خارج شده است.

از طرف دیگر جنگ و نزاع جمهوری اسلامی با دولت آمریکا و اسرائیل، مسأله‌ی دولت‌های عربی منطقه نیست و اتفاقاً در محدوده‌ای از آن نفع می‌برند. چرا که دولت‌های آمریکا و اسرائیل مجبور به دادن امتیازهایی به دولت‌های عربی می‌شوند. همان‌طور که گسترش روابط دولت‌های عربی بویژه عربستان سعودی و عراق با چین، به یکی از معضلات سیاست خارجی دولت آمریکا تبدیل شده است.

اما بدون تردید نزاع و اختلاف این دولت‌ها در لبنان و عراق با جمهوری اسلامی همچنان پابرجاست و جمهوری اسلامی به سیاست‌های خود در این دو کشور ادامه خواهد داد. این را هم در نظر داشته باشیم که در هر دوی این کشورها جریان‌ات شبه نظامی قدرتمندی وجود دارند که همپیمان جمهوری اسلامی هستند. اگرچه زمان، همراه با مجموعه شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این دو کشور به زیان جمهوری اسلامی در حال چرخش است.

اگر زمانی حمله نظامی دولت آمریکا به عراق، شرایط را برای گسترش نفوذ جمهوری اسلامی فراهم کرد، اکنون با شرایط دیگری روبرو هستیم که به زیان جمهوری اسلامی است. جدا از شرایط انقلابی حاکم بر ایران که تأثیر بسیاری بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی دارد، اکنون لبنان با یک بحران عمیق اقتصادی و سیاسی روبروست. موج ناراضیاتی در لبنان علیه گروه‌های سیاسی موجود شدیداً افزایش یافته است. از سوی دیگر نزاع گروه‌های سیاسی موجود بر سر کسب سهم بیشتری از قدرت عملاً بن‌بستی در شکل نظام سیاسی کنونی لبنان ایجاد کرده است که ناتوانی در انتخاب رئیس‌جمهور یک نمونه آن است.

در عراق نیز کم و بیش با همین موضوع روبرو هستیم و حتا شاهدیم دولتی که در شکل‌گیری آن شبه‌نظامیان همسو با جمهوری اسلامی نقش کلیدی داشتند، همسویی چندانی با جمهوری اسلامی ندارد و برای نمونه در عمل با تحریم‌های دولت آمریکا حتا بیش از دولت الکاطمی همراهی کرده است.

در یک نگاه، به‌رغم تحرکات جمهوری اسلامی در سیاست خارجی و تلاش برای بهبود روابط با دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس، پارادوکسی که ریشه در روبنای سیاسی حاکم دارد همچنان مانع تعمیق روابط با کشورهای عربی در حدی



**شورای همکاری  
نیروهای چپ و کمونیست**

## حمله به پایگاه مجاهدین در آلبانی راقویا محکوم می کنیم!

اخبار منتشره در رسانه ها حاکی از آن است که روز ۲۰ ژوئن، یک روز پس از لغو اجازه همایش سالانه مجاهدین خلق در فرانسه، کمپ این سازمان در آلبانی نیز که در آن صدها نفر از اعضا و هواداران این سازمان مستقر هستند، مورد یورش نیروهای پلیس آلبانی قرار گرفته است و در این حمله یک نفر کشته و تعدادی زخمی گزارش شده است.

یورش جنایتکارانه پلیس به کمپ مجاهدین در آلبانی در شرایطی است که شاهد تحولات جدیدی در روابط کشورهای غربی و در راس آنها آمریکا با ایران هستیم. استرداد اسدالله اسدی دیپلمات تروریست جمهوری اسلامی، مذاکرات پشت پرده برای استرداد حمید نوری که در دادگاه سوئد به جرم مشارکت در قتل عام زندانیان سیاسی به بیست سال زندان محکوم شده است، آزادسازی قسمتی از پول های بلوکه شده رژیم و... نشان دهنده تغییر سیاست کشورهای غربی در قبال جمهوری اسلامی است و بدون تردید حمله به پایگاه مجاهدین در آلبانی و لغو همایش سالیانه آنها در پاریس که می تواند به ایجاد محدودیت و فشار به سایر فعالین ایرانی در خارج کشور نیز تعمیم داده شود، از جمله توافقات پشت پرده دول غربی با رژیم سرکوبگر حاکم بر ایران است که خیزش عظیم زن، زندگی، آزادی، پایه هایش را بلرزه در آورده و با خطر قیام توده های زحمتکش مردم و سرنگونی مواجه است. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست که با سیاست های سازمان مجاهدین مرزبندی روشنی دارد، لغو همایش سالانه این سازمان در پاریس و یورش پلیس به محل استقرار آنها در آلبانی را قویا محکوم می کند و آنرا تعرض به حق آزادی و مبارزه بر علیه رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی می داند.

در عین حال لازم می دانیم برای چندمین بار به اپوزیسیون بورژوازی رژیم، از جمله مجاهدین خلق که شرکت دادن ننوکنه های جنایتکاری نظیر جان بولتون ها را در همایش های خود به رخ کشیده و به پشتیبانی و همکاری آنها افتخار می کردند و تمام افراد و دسته جاتی که برای قدرت رسیدن و یا ایجاد تغییرات مورد نظر خود در ایران به کرامات دول امپریالیستی و کشورهای مرتجع منطقه امید بسته اند، هشدار دهیم که نشست و برخاست و معامله و امید بستن به قدرت های خارجی، جز شکست و وجه المصالحه قرار گرفتن و قربانی شدن در معاملات پشت پرده و رسوائی و بی اعتباری در میان توده های مردم ثمره دیگری در برداشته و نخواهد داشت.

رهائی اکثریت مردم ایران، یعنی توده های کار و زحمت از ستم و استثمار و زور و سرکوب اقلیتی صاحب قدرت و ثروت که با تلفیق دین و دولت بر اریکه قدرت سوار است، تنها بدست توانای طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم سراسر ایران امکان پذیر است. پیروزی انقلاب ایران و کسب آزادی و رهائی از ستم و استثمار و تبعیض و نابرابری، در گرو اتحاد و تشدید مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و همه آنهاست که قهرمانانه در کوچه و خیابان و در محل کار و زندگی با جانفشانی ها و مقاومت های بی نظیر خود حماسه می آفرینند، نه دخیل بستن به قدرت های خارجی که برای تامین منافع شان از قربانی کردن میلیون ها انسان نیز ابائی ندارند.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!**

**شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست  
۳۱ خرداد ۱۴۰۲**

امضا: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

## هدف جمهوری اسلامی از تحرکات سیاسی اخیر در منطقه و چشم انداز آن

خواهد بود که جمهوری اسلامی مد نظر دارد. جمهوری اسلامی به دنبال این هدف است که با بهبود روابط با این کشورها بتواند از نتایج سیاسی و اقتصادی آن بهره ببرد، اما تداوم تفکر و سیاست پان اسلامیتی همچنان به عنوان یک مانع عمل می کند.

از سویی جمهوری اسلامی به دنبال بهبود و تعمیق روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای عربی خلیج فارس است، از سوی دیگر همچنان به حمایت از گروه های شبه نظامی همسو ادامه می دهد. همین حمایت از گروه های شبه نظامی در لبنان یا عراق و حتی یمن و سوریه مانعی بر سر راه تعمیق روابط جمهوری اسلامی با مثلا دولت عربستان سعودی است. درست است که تعهد جمهوری اسلامی به پایان دادن به تنش، عدم دخالت در امور داخلی آن کشورها و عدم تعرض به امنیت و منافع اقتصادی، امتیاز مهمی برای دولت عربستان، امارات و بحرین است، اما به همان دلیلی که در بالا آمد، جمهوری اسلامی هرگز نمی تواند به متحدی قابل اتکا برای این کشورها تبدیل شود. یک نمونه بارز آن ادامه تلاش جمهوری اسلامی برای افزایش قدرت نظامی است که رقابت تسلیحاتی در منطقه را دامن زده است. پول ها و ثروتی که متعلق به مردم است اما به جای آبادی و رفاه مردم، صرف تولید موشک، پهپاد و دیگر تسلیحات نظامی و نیز پرداخت حقوق صدها هزار مسلح در داخل کشور و منطقه می گردد.

روابط جمهوری اسلامی با دولت های عربستان، بحرین، امارات و مانند آن حالت نه جنگ نه صلح است. تضاد منافع و سیاست جمهوری اسلامی با دولت عربستان سعودی به دلیل تداوم سیاست های پان اسلامیتی و برتری جویانه حکومت اسلامی (شیعه) ادامه خواهد یافت، اکنون اما به دلیل شرایط جمهوری اسلامی و سیاست ها و منافع امپریالیسم چین، جمهوری اسلامی مجبور به عقب نشینی از برخی سیاست های خود شده است.

سیاست پان اسلامیتی و برتری جویانه جمهوری اسلامی در منطقه، بخشی جدایی ناپذیر از سیاست خارجی آن است و تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سریر قدرت است این سیاست ادامه خواهد داشت. شدت و ضعف این سیاست اما به وضعیت مشخص جمهوری اسلامی و دیگر دولت هایی برمی گردد که در منطقه حضور دارند و یا دارای منافع سیاسی و اقتصادی هستند. در این میان نکته ای که برای مردم ستم دیده ایران مهم است، هزینه های این سیاست ارتجاعی و از جمله هزینه های این سیاست میلیارد ها دلاری است که سالانه از جیب این مردم ستم دیده غرقه در فقر، صرف تجهیز و تامین مالی نیروهای شبه نظامی منطقه ای و دیگر هزینه های نظامی جمهوری اسلامی می شود.

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با  
یک اعتصاب عمومی سیاسی  
و قیام مسلحانه برانداخت**

## در جریان مبارزه است که توده‌ها می‌آموزند

سیاسی لازم بودند. این پیکار جنبه‌های مثبت و منفی، ضعف‌ها و کمبودهای مبارزه را به آن‌ها نشان داد. در عین حال، همین مبارزه، ماهیت سازمان‌ها و بلوک‌بندی‌های سیاسی را به همراه ادعاهای آن‌ها در مدتی کوتاه برملا کرد.

نشریه کار در مقالات متعدد در این چند ماه مکرر دست‌آوردهای و کمبودهای این جنبش را برای درس‌آموزی از آن‌ها توضیح داده است. اتفاق دیگری که در هفته‌های اخیر رخ داد و می‌تواند درس بزرگ دیگری برای مردم ایران باشد، به رابطه قدرت‌های امپریالیست جهان و زدوبندهای آن‌ها با جمهوری اسلامی برمی‌گردد. این واقعیتی است بر همگان آشکار که در جریان مبارزات نیمه دوم سال گذشته مردم ایران، توهم پراکنی پرده‌مانه‌ای توسط سازمان‌های رنگارنگ بورژوازی و بلندگوهای تبلیغاتی آن‌ها، نسبت به دولت‌های به اصطلاح دمکراتیک اروپایی و آمریکا و ارگان‌ها و نهادهای سازمان ملل در مورد حمایت از این مبارزات و کمک به نجات مردم از شر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی صورت گرفت. این ادعای کذب وسیعاً تبلیغ و بسط داده شد که گویا این دولت‌ها متحدان مردم ایران در مبارزه علیه رژیم استبدادی جمهوری اسلامی‌اند و با یاری آن‌ها می‌توان حتی جمهوری اسلامی را سرنگون کرد. تلویزیون‌های ماهواره‌ای وابسته به قدرت‌های جهانی و سازمان‌های بورژوازی اپوزیسیون تلاش کردند این نگرش را در میان مردم ایران اشاعه دهند که قدرت‌های اروپایی و آمریکا دوست و حامی مردم ایران‌اند. گرچه بخش بسیار بزرگی از مردم ایران بنا به تجربه‌ای که از گذشته داشتند، کمتر تحت تأثیر این توهم پراکنی و تبلیغات آن قرار گرفتند، اما در خارج از کشور که سازمان‌های بورژوازی ایرانی با حمایت قدرت‌های جهانی ابتکار عمل را در دست داشتند، از طریق سازمان‌دهی تجمعات در برابر مراکز سیاسی تصمیم‌گیرنده دولتی و ملاقات با سران و مقامات دولت‌های اروپایی و آمریکایی و دخیل بستن به یاری آن‌ها به این توهومات دامن زدند. البته آن‌ها وعده‌های توخالی گرفتند و از آنجایی که خواستار حفظ تمام دستگاه استبدادی در ایران هستند، به قدرت‌های جهانی اطمینان می‌دادند که خواهان حفظ تمام نظم موجودند. مشکلشان صرفاً با ولی فقیه و سپاه پاسداران است. یکی از خواسته‌های آن‌ها نیز تحریم سپاه پاسداران و قراردادن آن در لیست ترور بود. در واقعیت اما این تجمعات و تظاهرات از دیدگاه قدرت‌های بزرگ نه وسیله‌ای برای حمایت از مردم ایران، بلکه ابزار فشاری برای ساخت‌وپاخت‌های بعدی با جمهوری اسلامی و گرفتن امتیازات بیشتر بود. واقعیتی که اکنون علنی شده است.

با تحولاتی که در چند هفته اخیر شاهدش بودیم، امروز دیگر نباید بر کسی پوشیده باشد، که قدرت‌های جهانی به‌رغم برخی اختلافات، جمهوری اسلامی را متحد خود می‌دانند. نه فقط هیچ‌گاه خواهان برافتادن آن نبوده و نیستند، بلکه

همواره تلاش کرده‌اند که مانع از سرنگونی آن شوند. آن‌ها هیچ آلترناتیوی بهتر از جمهوری اسلامی در ایران ندارند، چراکه توانسته با استبداد و دیکتاتوری عریان، نظم سرمایه‌داری حاکم بر ایران را حفظ کند و در همان حال مانع از تحولی گردد که ثبات مطلوب امپریالیست‌ها را در منطقه خاورمیانه به مخاطره اندازد. از همین رو حتی زمانی که جنبش انقلابی در خیابان‌ها در جریان بود، آن‌ها مذاکرات پنهانی خود را با جمهوری اسلامی ادامه دادند و جمهوری اسلامی تضعیف‌شده حالا در وضعیتی قرار داشت که پیشنهادهای آن‌ها را برای پذیرش برخی اختلافات راحت‌تر بپذیرد. برای متوهمان، شوک نخست هنگامی وارد آمد که دریافتند قدرت‌های به اصطلاح دمکراتیک اروپایی مخالف تروریسم در حال مبادله زندانیان با جمهوری اسلامی هستند و یک دیپلمات تروریست رژیم که در زندان بلژیک بود قرار است با یک گروگان اسیر در زندان‌های جمهوری اسلامی مبادله و آزاد شود که بالاخره هم آزاد شد. اما این تازه آغاز ماجرا بود. بده بستان‌ها در سطحی کلان‌تر از آن صورت گرفته بود که در مقابل آن، مبادله یک تروریست با یک گروگان، عددی محسوب شود. روشن بود که جمهوری اسلامی با امتیازاتی که در جریان بده بستان‌ها داده است یکی از خواسته‌هایش به‌ویژه از اتحادیه اروپا ممنوعیت یا محدودیت فعالیت مخالفین جمهوری اسلامی در کشورهای عضو اتحادیه بود. پوشیده نبود که در میان سازمان‌های بورژوازی اپوزیسیون جمهوری اسلامی تنها یک سازمان، مجاهدین خلق از دیدگاه جمهوری اسلامی خطری جدی محسوب می‌شد، چراکه نه فقط یک نیروی متشکل و سازمان‌یافته است که در داخل ایران نیز در محدوده‌ای فعالیت سیاسی دارد و در همان حال از حمایت برخی جناح‌ها و محافل دولت‌های اروپایی و آمریکا برخوردار است، بلکه در واقع تنها سازمان بورژوازی سرنگونی طلب هم محسوب می‌شود. سازمان‌ها و گروه‌های دیگر اپوزیسیون‌های بورژوازی نه فقط نقشی ندارند، بلکه حتی پرسروصداترین آن‌ها که سلطنت‌طلبان باشند، در واقع به نحوی حامی و متحد جمهوری اسلامی به استثنای شخص خامنه‌ای هستند. آن‌ها از سیاست‌ها و کل دستگاه دولت استبدادی با حرارت پشتیبانی می‌کنند. آرزویشان هم این است که همین دستگاه دولتی روزی ولی فقیه را بردارد و به جای آن یک شاه بنشانند. همین و بس.

بنابراین روشن است که چرا دولت‌های اروپایی پس از توافقات خود با جمهوری اسلامی، نخست مجاهدین خلق را هدف قراردادند. هم‌زمان با

ممنوعیت برگزاری تظاهرات آن‌ها در ۳۰ خرداد در فرانسه، پلیس آلبانی نیز به مرکز اصلی استقرار آن‌ها در این کشور که البته با توافق آمریکا و اروپا بوده است، یورش برد که منجر به مرگ یک نفر، ده‌ها مصدوم، بازداشت و تخریب امکانات آن‌ها شد. آشکار بود که چنین اقدامی در واقع به دستور اتحادیه اروپا با موافقت دولت آمریکا صورت گرفته است. سخنگوی دولت آمریکا نیز چیزی را پوشیده نگذاشت و اعلام کرد این اقدام پلیس آلبانی را حق دولت آلبانی می‌داند. این اقدامات ضد دمکراتیک که باید آن را محکوم کرد، البته به همین‌جا محدود نخواهد ماند، پی آمد آن نیز موانع و محدودیت‌هایی است که بر جریان‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی به‌ویژه سازمان‌های چپ وارد خواهد آمد که از هم‌اکنون باید آمادگی مقابله با آن را داشته باشند.

اما این تحولات درس دیگری است برای تمام کسانی که به نحوی در این توهم گرفتار بودند که دولت‌های امپریالیست اروپایی و آمریکایی متحد مردم ایران‌اند و خواهان استقرار یک رژیم دمکراتیک در ایران. سازمان‌های بورژوازی، البته قدرت‌های جهان سرمایه‌داری را متحد خود می‌دانند و هر اتفاقی هم که رخ دهد همین سیاست را ادامه می‌دهند. اما مردمی که گرفتار این توهم شدند که گویا دولت‌های اروپایی و آمریکایی حامی آن‌ها و مطالباتشان هستند، باید بیاموزند که تمام قدرت‌های امپریالیست جهان و دولت‌های مرتجع منطقه نه متحد بلکه دشمنان مردم ایران‌اند. آن‌ها منافع خود را در ایران حمایت از رژیم‌های دیکتاتوری و استبدادی، خواه سلطنتی باشد یا مذهبی و غیره می‌بینند. چراکه این رژیم‌ها هستند که منافع آن‌ها را تأمین کرده و می‌کنند. این رژیم‌ها هستند که مردم را در اسارت گرفته‌اند و راه پیشرفت آن‌ها را سد کرده‌اند. حتی در سازمان‌های بین‌المللی وابسته به سازمان ملل نیز دیدیم به‌محض این‌که توافقات و زد و بندهای پشت پرده صورت گرفت، جمهوری اسلامی در رهبری برخی ارگان‌ها و نهادهای وابسته به این سازمان قرار گرفت. دلیل آن‌هم پوشیده نیست. در واقعیت، سازمان ملل هم، سازمان دولت‌هاست و نقش تعیین‌کننده در آن را نیز قدرت‌های بزرگ جهان به‌ویژه آمریکا و اروپا بر عهده دارند. لذا توده مردم ایران، همواره باید به نیروی خود و مبارزه خود متکی باشند. کسی آن‌ها را از خارج نجات نخواهد داد. متحدان مردم ستمدیده ایران، کارگران و زحمتکشان جهان، ستمدیدگان جهان و سازمان‌های آن‌ها هستند. باید از تحولات سیاسی و زدوبندهای اخیر دولت‌های اروپایی و آمریکایی با جمهوری اسلامی آموخت که آن‌ها نیز همانند امپریالیست‌های روسی و چینی حامی و متحد جمهوری اسلامی و دشمن کارگران و زحمتکشان و تمام ستمدیدگان ایران هستند.

**پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر**

## پاسخ به سؤالات

کشورهایی که وارد این فاز جامعه سرمایه‌داری شده‌اند، اخذ می‌کند. لنین با ارائه این ۵ علامت اما یک فرمول خشک و انتزاعی ارائه نداد که هر کشوری را تحت هر شرایطی در درون این تعریف بتوان جای داد و نتیجه گرفت این کشور امپریالیست هست یا نه. از همین روست که در بررسی‌ها و موضع‌گیری‌های خود در پی این مسئله نیست که فرضاً انحصارات صنعتی و بانکی در این یا آن کشور سرمایه‌داری تا چه حد قدرتمندند و یا تا چه میزان انباشت سرمایه نیازمند صدور آن در فلان کشور فرضی است. مهم از نظر لنین این است که تمرکز تولید در یک کشور معین به درجه‌ای پیش رفته باشد که انحصارات در صنایع و بانک‌های آن کشور شکل‌گرفته و با یکدیگر جوش‌خورده و اشرافیت مالی شکل‌گرفته باشد. اگر جز این می‌بود، نمی‌توانست فرضاً روسیه نیمه سرمایه‌داری نیمه فئودال و وابسته مالی به اروپای غربی و ژاپن ایضاً نیمه سرمایه‌داری و نیمه فئودال را که به لحاظ تمرکز تولید و انحصارات اصلاً به پایه انگلیس و فرانسه نمی‌رسیدند، امپریالیست قلمداد کند و جنگ میان آن‌ها را در ۱۹۰۵ در زمره نخستین جنگ‌های عصر امپریالیسم میان دو قدرت امپریالیستی جای دهد. اگر قرار می‌بود این تعریف و علائم آن، مکانیکی و جزمی برای تعیین قدرت‌های امپریالیست به‌کاربرده شود، لنین نمی‌توانست این دو قدرت را در آن مقطع امپریالیست به معنای جدید کلمه و جنگ میان آن‌ها را جنگ دو قدرت امپریالیست بنامد. چون تمرکز تولید و انباشت سرمایه در آن مقطع در این هر دو کشور هنوز به نقطه‌ای نرسیده بود که با انباشت مازاد سرمایه مواجه باشند و نیاز به صدور آن داشته باشند. اهداف هم به‌ویژه در مورد روسیه بیش از آن‌که انگیزه اقتصادی داشته باشند، سیاسی بودند. هدف از این بحث این بود که تلاش نکنیم تعاریف کلی و فرمول‌بندی‌ها را جزمی و مکانیکی به‌کارگیریم و فرمول‌بندی‌های تجربیدی را به جای واقعیت‌های مشخص و زنده قرار دهیم. اما آنچه در این دو کشور وجود داشت و مبنای موضع‌گیری لنین قرار گرفت این بود که در این هر دو کشور تمرکز تولید به درجه‌ای رشد یافته که انحصارات شکل‌گرفته بودند و جوهر اقتصادی امپریالیسم هم در همین نکته است. لنین در اثر خود کاریکاتوری از مارکسیسم نوشت:

"اگر می‌خواهیم در مباحثه منظور هم را بفهمیم باید مفاهیم را روشن کنیم. از نقطه‌نظر اقتصادی امپریالیسم (یا "دوران" سرمایه مالی، مسئله به سر اصطلاح و کلمه نیست) مرحله عالی توسعه سرمایه‌داری است، مرحله‌ای که در آن تولید بزرگ به چنان درجه‌ای رسیده که رقابت آزاد جایش را به انحصار می‌دهد و جوهر اقتصادی امپریالیسم هم در همین‌جاست. انحصار در آن واحد در تراست‌ها، کارتل‌ها و نظایر آن‌ها در اقتدار مطلق بانک‌های غول‌پیکر، در خرید و انحصاری کردن منابع مواد اولیه و از این قبیل، در تراکم سرمایه بانکی متجلی می‌شود. همه‌چیز به انحصار اقتصادی مربوط می‌شود." (کاریکاتوری از مارکسیسم و درباره اکونومیسم امپریالیستی) ترجمه مهرداد

با این توضیحات حالا بیاییم و روسیه امروز را مورد بررسی قرار دهیم. آیا روسیه یک کشور سرمایه‌داری است؟ کسی تاکنون منکران نشده است. آیا تمرکز تولید به درجه‌ای رشد کرده که رقابت آزاد جای خود را به انحصار داده باشد؟ به واقعیت‌های اقتصادی روسیه نگاه کنیم. روسیه امروز از بطن یک نظام فئودالی بیرون نیامد. از درون کشوری متولد شد که از نظر صنعتی یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان بود. اما همراه با یک سیر قهقرانی ناشی از فروپاشی و بحران اقتصادی بزرگ. باین وجود تمام شرایط و بنیان‌های یک جامعه صنعتی پیشرفته در آن وجود داشت که بتواند به سرعت بر این بحران غلبه کند و بار دیگر تا اوایل قرن جدید به‌عنوان یک کشور سرمایه‌داری پیشرفته قدرتمند قد علم کند، تا جایی که اکنون دهمین قدرت صنعتی جهان و ایضاً در همین رده با بیش از ۵ / ۲ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی در میان ده قدرت اقتصادی جهان قرار گرفته است. این اقتصاد در دست کیست؟ آنچه از همان آغاز به‌ویژه با احیای اقتصادی شکل گرفت، سلطه انحصاری گروهی معهود از بوروکرات‌های دزد و غارتگر شوری و سرمایه‌داران بر اقتصاد بود. همراه با فروپاشی شوروی، صنایع و موسسات بانکی این کشور در دست گروه بسیار کوچکی از سرمایه‌داران خصوصی قرار گرفت که تبدیل به اشرافیت مالی روسیه شدند. در لحظه کنونی مهم‌ترین مؤسسات صنعتی، خدماتی و بانکی انحصاری روسیه در تملک این گروه بسیار کوچک اشرافیت مالی یا به زبان مرسوم کنونی الیگارشی‌های روس قرار گرفته است. نقش مهمی نیز در حمایت از منافع این

الیگارشی را سرمایه‌داری انحصاری- دولتی بر عهده دارد. بر طبق گزارشی که کردیت سویسه انتشار داد تا سال ۲۰۱۳، ۳۵ درصد تمام ثروت روسیه در دست ۱۱۰ تن از سرمایه‌داران مالی روسیه قرار گرفته بود. آن‌ها اکنون به همراه بوروکراسی دستگاه دولتی حدود ۱۰۰ موسسه انحصاری صنعتی، بانکی و خدماتی را در تملک دارند که در این میان مهم‌ترین رشته‌ها را ۱۸ انحصار بزرگ به تملک خود درآورده‌اند. در سال ۲۰۲۱ ارزش افزوده صنعتی روسیه ۲۵۶۹۵۸۲۷۰۰۰ دلار بود و در رده دهم پس از فرانسه قرار گرفت. به‌رغم این‌که روسیه با انحصارات خود دهمین قدرت صنعتی جهان است و با وجود رشد انحصارات بانکی، اما قدرت انحصارات بانکی این کشور همپای انحصارات صنعتی آن رشد نکرده‌اند. از همین روست که از میان ده بانک بزرگ روسیه تنها دو بانک در میان ۱۰۰ بانک برتر جهان در رده‌های ۵۸ و ۹۲ جای دارند.

صدور سرمایه روسی به‌عنوان یک کشور امپریالیست در طول دو دهه اخیر پیوسته رشد کرده است. اما بیشتر محدود به کشورهای حوزه قفقاز جنوبی و چند کشور در خاورمیانه و اندکی در آفریقا است. با وجود این، با صدور ۵۱ / ۵ میلیارد دلار در ردیف نهم کشورهای صادرکننده سرمایه قبل از سوئیس قرار دارد. این مبلغ رقمی حدود یک‌چهارم صدور سرمایه چین و آلمان است. همراه با احیای اقتصادی و سلطه اشرافیت مالی، تمایلات امپریالیستی روسیه برای کسب مناطق نفوذ از همان اواخر دهه آخر قرن بیستم و دهه نخست قرن جدید آغاز گردید. پوتین رسماً کشورهای نزدیک به مرزهای روسیه را مناطق نفوذ این کشور اعلام کرد و هرگونه تخطی از آن را با لشکرکشی نظامی پاسخ داده است. در گرجستان، اشغال آبخازیا و اوستیای جنوبی در پی انقلاب رنگی، سپس کریمه و حالا در یک جنگ امپریالیستی که یک‌سوی آن امپریالیست‌های اروپائی - آمریکائی و سر دیگران روسیه است در اوکراین درگیر شده است. اما مناطق نفوذ خود را به آنچه گفته شد، محدود نکرده و برای پیشبرد اهداف توسعه‌طلبانه، مداخلاتش را در خاورمیانه بر سر سوریه به خاطر نقش و اهمیت آن در دریای مدیترانه بسط داده، وارد مناسبات جدیدی با جمهوری اسلامی برای سرمایه‌گذاری در ایران شده و در عین حال در تلاش است که به‌ویژه با تکیه به قدرت نظامی خود به همراه چین یک بلوک امپریالیستی قدرتمند در برابر بلوک امپریالیست غرب شکل دهد.

با این توضیحات حیرت‌آور خواهد بود که امروز تمام مختصات امپریالیسم روس را ببینیم، اما در امپریالیست بودن آن با استناد به همان تعریف لنینی که حتی روسیه تزاری سال ۱۹۰۵ را در میان چند قدرت امپریالیست جهان قرار داد، تردید داشته باشیم.

اگر در مورد روسیه نمی‌توان گفت که سوای قدرت نظامی به لحاظ اقتصادی و قدرت انحصارات در موقعیتی نیست که بتواند با قدرت اقتصادی امپریالیسم غرب برابری کند، در مورد چین مسئله به‌کلی متفاوت است.

مختصراً اشاره کنیم که تمرکز و انحصار در چین امروز به درجه‌ای است که انحصارات خصوصی و دولتی چینی در بسیاری موارد حتی بر آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی جهان سرمایه‌داری سبقت گرفته‌اند. بر طبق لیستی که مجله فورچون از بزرگ‌ترین ۵۰۰ شرکت‌های انحصاری جهان در هر سال انتشار می‌دهد،

در سال ۲۰۲۱، ۱۳۴ شرکت بزرگ جهان در این لیست متعلق به چین بوده است. در ۲۰۰۱ تنها ۱۰ شرکت چینی در این مجموعه ۵۰۰ شرکت جای داشتند.

اما بر طبق لیست سال ۲۰۲۲ فورچون، چهار شرکت از بزرگ‌ترین ده انحصار برتر جهان در رده‌های ۳، ۴، ۵، ۹ چینی هستند. در بالاترین ده شرکت از نظر درآمد اما چین در رده اول قرار دارد. در میان ۲۰ انحصاری که برحسب رشته‌های تولیدی تقسیم‌بندی شده‌اند، شرکت‌های چینی در رشته‌های هوافضا، شیمیایی، انرژی، مهندسی، ساختمان، فلزات، مواد، و حمل‌ونقل به ترتیب در رده‌های اول، چهارم، پنجم، ششم، دوازدهم، سیزدهم و نوزدهم جای گرفته‌اند.

چین بزرگ‌ترین تولیدکننده محصولات صنعتی جهان با ۵ / ۲۸ درصد از کل محصول صنعتی جهان است.

از میان صد بانک بزرگ جهان، ۴ بانک نخست آن چینی هستند که پس از آن‌ها دو بانک بزرگ آمریکا قرار دارند. در این مجموعه ۲۰ بانک چینی و ۱۱ بانک آمریکائی قرار دارند.

مجموعه دارائی ۱۹ بانک انحصاری چینی در ۲۰۲۲، ۴ / ۲ درصد رشد داشتند. چهار بانک بزرگ چین دارائی‌شان ۱ / ۴ درصد افزایش یافت و به ۰۸۱ / ۱۹ تریلیون دلار رسید. این رشد غول‌آسای بانک‌های چینی در



## پاسخ به سوالات

رقمی بالای یک تریلیون دلار بود بعد از درگیری چند سال اخیر کمی کاهش یافته و به ۸۷۰ میلیارد کاهش یافته است  
چین فقط بزرگترین صادرکننده سرمایه نیست. بزرگترین صادرکننده کالای جهان نیز هست. حجم صادرات کالاهای چینی در سال ۲۰۲۱ به ۲۶ / ۳ تریلیون دلار رسید. در رده‌های بعدی آمریکا و آلمان قرار دارند.  
با این قدرت عظیم امپریالیسم نوپا و در حال پیشرفت چین به‌عنوان نمونه کلاسیکی از تبدیل شدن یک کشور سرمایه‌داری عقب‌مانده در نتیجه توسعه ناموزون اقتصادی کشورها در عصر امپریالیسم، به یک قدرت امپریالیست بزرگ، روشن است که چرا چینی‌ها اکنون میلیاردها دلار به هزینه‌های استراتژی "کمربند و جاده" برای وصل سه قاره اختصاص داده و سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در صنایع تسلیحاتی کرده‌اند. تشدید تضادهای روسیه و چین با اروپا و آمریکا، در اوضاع کنونی جهان، بازتاب رقابت و کشمکش بر سر تجدید تقسیم بازارهای جهان و مناطق نفوذ اقتصادی و سیاسی است.  
بیش از این بحث را ادامه ندهیم. تا همین‌جا کافی است که نشان دهد به چه دلایلی دو کشور روسیه و چین امپریالیست‌اند و مواضع سازمان ما مبتنی بر واقعیت‌های عینی است.

شرایطی است که در همین مدت داری‌های بانکی ژاپن ۸ / ۸ درصد کاهش یافت. این حجم بسیار بزرگ داری‌های چینی از کجا می‌آید؟ از انحصار، از استثمار وحشیانه متجاوز از ۷۷۰ میلیون کارگر چینی و سود و بهره ناشی از صدور سرمایه به کشورهای دیگر و غارت منابع طبیعی و معادن کشورهای آفریقایی.

چین بزرگترین صادرکننده سرمایه به سراسر جهان با ۲۵ درصد مجموع سرمایه صادر شده است. این سرمایه در پی تصرف بازارهای جهان و کسب سودهای انحصاری به تمام جهان به‌ویژه آسیا، بخش بزرگی از آفریقا و تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین، حتی پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری جهان صادر شده است. نکته قابل‌ملاحظه این‌که سرمایه‌گذاری‌ها با چنان ضوابط سفت و سختی صورت می‌گیرد که گاه به شیوه‌های دوران استعمار کهن شباهت دارد. تصرف بخشی از کشورها تحت عنوان اجاره‌های صدساله یا در نتیجه ناتوانی در بازپرداخت وام‌ها و بهره‌ها مثل اجاره بندر هامبانتوتا در سریلانکا از این نمونه‌اند. قدرت سرمایه مالی چین به درجه‌ای است که مقادیر کلانی سرمایه خواه در شکل مولد یا بهره‌آور آن به پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه داری صادر کرده است. حجم سرمایه‌گذاری چین در خرید اوراق خزانه آمریکا که تا پیش از به قدرت رسیدن ترامپ



### در دفاع از دانشجویان دانشگاه هنر و در ستایش همبستگی

جمهوری اسلامی تهاجم همه جانبه‌ای را به جنبش دانشجویی سازمان داده است. در روز چهارشنبه ۲۴ خرداد، بخشی از دانشجویان دانشگاه هنر در اعتراض به حجاب اجباری در پردیس باغ ملی این دانشگاه تحصن کردند. اعتراض دانشجویان با واکنش حراست و دستگاه سرکوب رژیم کشتار مواجه شد. سرکوبگران دانشجویان را مجروح کردند. سرویس‌های بهداشتی را بسته و از رسیدن مواد غذایی و آشامیدنی به دانشجویان جلوگیری کرده و تعدادی را دستگیر کردند. مقاومت دانشجویان هنر در مقابل رژیم و سیاست‌های همبستگی بسیاری از تشکلهای دانشجویی همراه شده است. همچنین نهادهای مترقی و پیشرو جامعه از مقاومت دانشجویان برای انتخاب پوشش و مقابله با رژیم آپارتاید جنسی و جنسیتی حمایت نموده‌اند.

رژیم برای مقابله با جنبش انقلابی و پیامدهای آن، تهاجم همه‌جانبه‌ای را به جنبش‌های اجتماعی و فعالین و پیشروان آن سازمان داده و هزاران معترض را به زندان انداخته است. دانشجویان را دستگیر، تعلق و یا اخراج می‌کند. به کردستان با پهباد، توپ و تانک حمله می‌کند. مردم مقاوم بلوچستان را به گلوله می‌بندد. زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان جنبش را در بی‌دانگه‌ها شکنجه و اعدام می‌کند. از برگزاری مراسم یادمان خانواده‌های جان باختگان جلوگیری نموده و دستگیرشان می‌کند. فعالین جنبش‌های کارگری، معلمان، زنان، آزادی‌خواهان، دانشجویان و آن‌هایی را که علیه سامانه‌های ستم و سلطه مبارزه می‌کنند، را به زندان می‌اندازد و یا اینکه با پرونده سازی و احکام سنگین و اخراج، شرایط زندگی خود و خانواده‌هایشان را به مخاطره می‌اندازد.

جمهوری اسلامی از برآمد و گسترش جنبش انقلابی به شدت ترسیده و با "چرخش بزدلانه" در سیاست خارجی و سرکوب گسترده در جامعه می‌خواهد از گسترش آن جلوگیری کند. راه مقابله با رژیم سرکوب و کشتار، مقاومت و همبستگی جنبش‌های اجتماعی و حضور توده‌های مردم و جنبش طبقاتی کارگران در خیابان، محل کار و زندگی است. ضمن ستایش از مقاومت دانشجویان دانشگاه هنر، با همبستگی و همگرایی از پائین رژیم کشتار را به عقب رانده و فرآیند سرنگونی انقلابی رژیم را گسترش دهیم.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی**  
**زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم**  
**شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست**

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت  
19.06.2023/29.03.1402



### حمله به مقر مجاهدین در آلبانی را محکوم می‌کنیم!

روز سه‌شنبه ۳۰ خرداد برابر با ۲۰ ژوئن در پی حمله پلیس آلبانی به مقر مجاهدین در این کشور یک نفر کشته، چند تن زخمی و ده‌ها تن بازداشت شده‌اند. در این مقر ۳ هزار تن از نیروهای مجاهدین از سال ۲۰۱۳ تا کنون مستقرند. وزیر کشور آلبانی در اولین واکنش رسمی به این واقعه، علت یورش به این مقر را «نقض توافقات» از سوی مجاهدین اعلام کرد!

این اولین بار نیست که محل استقرار نیروهای سازمان مجاهدین، در پی توافقات و زدو بندهای سیاسی دول مختلف با جمهوری اسلامی مورد حملات وحشیانه قرار می‌گیرند. پیش‌تر از این نیز کمپ‌های آن‌ها در عراق بارها مورد اصابت سلاح‌های سنگین قرار گرفته و منجر به کشته شدن تعدادی از این نیروها شده بود. دولت‌های امپریالیستی همواره بر اساس منافع اقتصادی و سیاسی خود حرکت کرده و می‌کنند و برای پیشبرد این منافع به هر ترفندی دست می‌زنند. لازم بدانند آلت‌رناتیو سازی می‌کنند و چنانچه شرایط ایجاب کند همان آلت‌رناتیوهای خود ساخته را قربانی می‌کنند.

کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن مرزبندی صریح و روشن با مواضع، سیاست‌ها و عملکردهای سازمان مجاهدین، اقدام غیرانسانی پلیس آلبانی و حمله به مقر نیروهای این سازمان را محکوم می‌کند و آن را بخشی از سیاست‌ها و زدو بندهای دول امپریالیستی با جمهوری اسلامی می‌داند. سیاست‌هایی که روزی با استرداد دیپلمات-تروریست به ایران ظاهر می‌شود، روزی دیگر با محدودیت فعالیت نیروهای اپوزیسیون در اقلیم کردستان و چه بسا فردا با اعمال فشارها و ایجاد موانع و محدودیت برای سایر نیروهای اپوزیسیون.

**کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)**  
**۲۰ ژوئن ۲۰۲۳ برابر با ۳۰ خرداد ۱۴۰۲**

## پاسخ به سوالات

سؤال شده است: چرا سازمان کشورهای چین و بخصوص روسیه را امپریالیستی می‌داند. (البته با توجه به نظرات لنین که در کتاب امپریالیسم، بالاترین مرحله سرمایه‌داری، مطرح نموده‌اند.)

با در نظر گرفتن محدودیت صفحات نشریه مختصر به این سؤال پاسخ داده می‌شود.

لنین در اثر خود "امپریالیسم به‌مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری" می‌نویسد:

"با در نظر گرفتن اهمیت مشروط و نسبی تمام تعریف‌های کلی که هرگز نمی‌توانند روابط همه‌جانبه یک پدیده را در تمام سیر تکامل آن در برگیرند، باید برای امپریالیسم آن‌چنان تعریفی نمود که متضمن ۵ علامت زیرین آن باشد.

(۱) تمرکز تولید و سرمایه که به آن‌چنان مرحله عالی تکامل رسیده که انحصارهایی را که در زندگی اقتصادی نقش قاطعی بازی می‌کنند به وجود آورده است

(۲) درهم آمیختن سرمایه بانکی با سرمایه صنعتی و ایجاد الیگارشی مالی بر اساس این "سرمایه مالی"

(۳) صدور سرمایه که از صدور کالا متمایز است، اهمیتی بسیار جدی کسب می‌نماید.

(۴) اتحادیه‌های انحصاری بین‌المللی سرمایه‌داری که جهان را تقسیم نموده‌اند پدید می‌آید و

(۵) تقسیم ارضی جهان از طرف بزرگترین دول سرمایه‌داری به پایان می‌رسد.

نخستین نکته‌ای که بر طبق نظر لنین باید در نظر گرفت، تأکید بر اهمیت مشروط و نسبی تمام تعریف‌های کلی است که هرگز نمی‌توانند روابط همه‌جانبه یک پدیده را در تمام سیر تکامل آن در برگیرند. این نکته هم در دوران خود لنین صادق بود و هم امروز که صدسال پس‌ازاین اثر، سرمایه‌داری در مرحله امپریالیستی و در سیر تکاملی خود منجر به تغییراتی در شکل برخی از علائمی شده است که لنین به آن‌ها اشاره دارد. بالاین‌وجود آیا تحلیل لنین از سرمایه‌داری دوران انحصار و علائم آن اعتبار خود را حفظ کرده اند؟ بی‌تردید، اساس نظر لنین، تعریف او از امپریالیسم و نیز نتیجه‌گیری‌های سیاسی از آن، اعتبار و درستی‌شان را تا به امروز حفظ کرده‌اند.

نکته دیگر این است که لنین در این تعریف نه به این یا آن کشور معین بلکه به مختصات جدیدی که سرمایه‌داری جهانی در کلیت خود از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم کسب کرده و وارد مرحله جدیدی شده است، اشاره دارد و نتیجه‌گیری می‌کند که سرمایه‌داری دوران رقابت آزادی جای خود را به سرمایه‌داری انحصاری داده است. البته شواهد و دلایل آن را از

در صفحه ۸

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سوئیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 1026 June 2023



[tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

## تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

## بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فدائیان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید . مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

### Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: [tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی